

روزنامه جهان • اندیشه	
سیطره کمیت بر کیفیت	صفحه ۸
گذارهای تاریخ‌نگاری در قرن بیستم	صفحه ۹
۲ انقلاب راپشت سر گذاشتیم	صفحه ۱۰

از نگاه عکاس	
---------------------	--

گذشته و فردای فرهنگ و هنر در افغانستان	
آتش در باغ	
مسعود حسینی	
عکاس خبری برنده پولیتزر	

چندی پیش نمایشگاهی از کاریکاتورهای هنرمندی از دیار بلخ در انجمن قلم کابل برپا شد. همراه تعدادی از هنرمندان برای دید و بازدید به آنجا رفتم. بعد از ظهری پاییزی بود. بعد از پایان نمایشگاه، به دوستان هنرمند تصمیم گرفتیم عصر را کنار هم باشیم و به جای رفتن به لیسه (دبیرستان) «استقلال»، در خانه‌مان دور هم جمع شویم و شعر بخوانیم و وقت‌گزانی کنیم. در میانه راه، خبر حمله طالبان به لیسه «استقلال»، عصمران را تارک و خونین کرد. این مکان هنری و فرهنگی توسط دولت فرانسه حمایت می‌شود و دوستان من زیاد به آنجا رفت‌وآمد می‌کنند. به محض آنکه برای تهیه خبر و عکس به آنجا رسیدیم، نیروهای امنیتی را مضطرب و پریشان دیدم. با خبرنگاران مشاجره می‌کردند. یک‌شبه‌روند آلمانی کشته و ۱۶ غیرنظامی زخمی شده بودند. در بین زخمی‌شدگان، دوست تصویربردارم را دیدم که برای تلویزیون «میترا» کار می‌کند. به‌شدت زخمی شده بود و درحال‌حاضر هم در حالت کما به‌سر می‌برد. اولین‌بار بود که طالبان به یک مرکز فرهنگی حمله می‌کرد. بسیاری از اهالی ادب و فرهنگ و هنرمندان از این موضوع مضطرب شدند. طالبان اعلامیه‌ای را به آدرس مطبوعات فرستاده و همه جامعه مدنی و هنرمندان را تهدید به حملات مرگبار کرده بود. آیا چنین تهدیدی بر روحیه هنرمندان در کابل تأثیری می‌گذارد؟ تعدادی از هنرمندان از رفت‌وآمدهای خود به مراکز هنری و فرهنگی کاشته‌اند ولی عده زیادی معتقدند باید ایستاد و مبارزه کرد و به برپایی شعب، نمایشگاه و کنسرت‌های موسیقی ادامه داد. هنر که در زمان رژیم طالبان خفه شده بود، بعد از ورود نیروهای بین‌المللی مبارزه با تروریسم و تاتو، جان تازه‌ای گرفت و با کمک مالی و فرهنگی کشورهای غربی، چارچوبی تازه برای خود دست‌وپا کرد. هنرمندان افغان با برپایی نمایشگاه در کشورهای اروپایی و آمریکایی اعتمادبه‌نفس بالایی کسب کرده و به نوآوری‌ها و مبارزه کرد. روی آورده‌اند. موسیقی، دگرگون شده است. برنامه «ستاره افغان» تلویزیون «طلوع» هرسال بیننده بسیاری دارد. این برنامه در حالی برای کشف صداهای برتر آوازخوانی طراحی شده که آوازخوانان خوب و پرطرفدار نسل جوان، موسیقی افغانستان را دگرگون کرده‌اند. مرکز هنرهای معاصر افغانستان هم با فرستادن برخی نقاشان به کشورهای اروپایی ایده‌هایی نو را برای افغانستان جذب کرد. از نقاشان موفق می‌توان به شمیمه حسنی اشاره کرد که برای اجرای گرافیتی‌های خیابانی به پایتخت‌های اروپا دعوت شد و گرافیتی‌هایش شهرت داخلی و خارجی دارد. او، جوان‌ترین استاد دانشکده هنر است. نمایشگاه «کاهنه‌های باکوس» تهمنیه تومیریس که در ایران اجازه برگزاری نداشته هم از استقبال قابل‌توجهی برخوردار شد. رشد صنعت سینما هم در این ۱۳سال باوجود حمله‌های مرگبار طالبان، از رشد فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده. با کمک سینماگران معروف ایرانی، شاهد تولیدات سینمایی مهمی چون «اسامه» به کارگردانی صدیق برکم بوده‌ایم؛ ضمن اینکه اسمال خانه فیلم «رویا» با کمک مالی بخش زنان سازمان ملل جشنواره بین‌المللی فیلم زنان را برگزار کرد. بیشتر از ۵۰۰فیلم شامل ۲۷۵فیلم خارجی در آن شرکت کرد و چندفیلم ایرانی هم جزو دریافت‌کنندگان جوایز بودند. بهار آزادی مطبوعات و رسانه‌های آزادی بیان که از ۱۳سال پیش و با حمایت همه‌جانبه رییس‌جمهور قبلی، حامد کرزای شاهد رشدی بسیار عالی بوده، یگانه دلیل و مشوق اصلی هنرمندان برای نوآوری و پیشرفت شده است. نبود هیچ‌گونه قانون محدودکننده برای برقراری ارتباط بین هنرمندان افغان و خارجی یکی از عوامل عمده روی‌آوردن جوانان به هنر و تلاش برای رفع تشنگی جامعه جنگ‌دیده و در حال جنگ نسبت به فرآورده‌های هنری بوده است. تولد بیشتر از ۳۰۰تلویزیون، رادیو و روزنامه خصوصی در افغانستان، تأسیس دانشکده هنرهای زیبا با کمک مالی پاکستان در کابل و ایجاد مراکز و دانشکده‌های هنری در دیگر شهرهای بزرگ افغانستان، بسیاری از جوانان را به سمت خود جلب کرده و یکی از مهم‌ترین زمینه‌های رشد و درآمدهای برای کشور به‌حساب می‌آید. عکاسی که در واقع عالی‌ترین شکل و شیوه ابراز بیان شمرده می‌شود هم از پیشرفتی خارق‌العاده برخوردار بوده است. عکاسی خبری که برای اولین‌بار توسط استاد دقتی در مرکز آئینه به دنیای افغانستان وارد شد، کشور را در جشنواره‌های بین‌المللی مطرح کرد و برای افغانستان که در جنگ و صدور موادمخدر مشهور است، جایزه‌ها و مدال‌های بزرگی چون نشان‌جنوگراف، پولیتزر، وردلیرس فوتو و... به ارمغان آورد. اگر افغانستان را در آستانه یک انقلاب هنری و فرهنگی به نظر بگیریم، باید به یاد داشته باشیم که این انقلاب، دشمنان خطرناکی چون گروه طالبان و بی‌میلی روزافزون کشورهای کمک‌کننده برای سرمایه‌گذاری در بخش هنر و فرهنگ دارد. طالبان از هرفرصتی برای متوقف‌کردن تغییرات اجتماعی استفاده می‌کند و ابزارش‌هم دین، مذهب و خرافه‌های مذهبی است. طالبان دشمن سرسخت و هنر، هنرمند و جامعه ادبی افغانستان است و با حملات کور تلاش می‌کند روند گفتمان فرهنگی و هنری را متوقف کند. در این میان خروج هنرمندان از کشور یکی از آفت‌های اصلی فعالیت‌های نوپای هنری در افغانستان است که با تهدیدهای چندروز گذشته طالبان، ممکن است افزایش یابد.

پیش از غروب

حاشیه‌ای بر یک سفر

صدای پرواز هلیکوپترها و آژیر ماشین‌های پلیس و آمبولانس این‌روزها در کابل لحظه‌ای قطع نمی‌شود. شهر ملتهب است و مردم نگران هستند. همه به هم توصیه می‌کنند همان‌جایی که هستند بمانند. صبح انفجاری در جنوب کابل بوده و حالا خبر انفجار -تارنچک یا راكد- در نزدیکی پارک وزیر اکبرخان - نزدیک به محل کار ان جی‌اوها، سفارتخانه‌ها و دفاتر دولتی، دفتر فروش آژانس‌های مسافرتی و وزارتخانه‌ها - بین مردم وحشت ایجاد کرده است. محلی‌ها در کابل می‌گویند در چندماه گذشته این شهر تا این حد ناامن نبوده است. سر هرخایان اصلی -سَـرَک- ایست‌های باررسی است و از ساعت شش، هفت بعدازظهر - شام- نیروهای پلیس امنیتی توی ماشین‌ها سرک می‌کشند و شهر به یکباره خالی و تارک می‌شود؛ شهر می‌میرد. ترافیک - بیر و بار- در خیابان‌ها به‌خصوص امروز در محل برگزاری نمازجمعه- که زنان در آن شرکت نمی‌کنند و در مساجد بزرگ شهر هم‌زمان برگزار می‌شود- زیاد است. شیشه ماشین‌ها -موتور- نیاید پایین باشد. این یک قانون است و شیشه همه ماشین‌ها - برای تأمین امنیت خودشان- نباید بیش از حد پایین باشد. هنوز کاری و اسب در شهر، نوعی مرکب تجاری به حساب می‌آید. هرچند ماشین‌ها دیگر شهر را تسخیر کرده‌اند. فرمان بعضی ماشین‌ها سمت چپ است و بعضی‌ها سمت راست. تقریباً اینجا نشانی داشتن، کوچه و پلاک معنی خاصی ندارد. البته خیابان‌های اصلی اسم دارند ولی کوچه‌پس‌کوچه‌ها، از روی بقالی‌ها یا قصابی‌ها یا اسم تالارها و نشانه‌های محلی، شناسایی می‌شوند و از میان آدم‌ها، زن‌ها از «همه‌چیز» بیشتر نادیده گرفته می‌شوند. رانندگی در کابل «هیج» قاعدی‌ای ندارد. با هروسلیه نقلیه هرطور و از هرج‌جا که شد، می‌توان -درايو- رانندگی کرد. معمولاً راننده‌ها باید گواهینامه -لایسنس- داشته باشند. در این وضعیت درباره رانندگی زنان حرف‌زدن کار دشواری است. به‌هرحال طبق قانون، زنان حق رانندگی دارند و «مریم گوشه» از این حق خود استفاده کرده است. تعداد زنان راننده در کابل پنج‌میلیون‌نفری از ۱۸افغانستان‌اکسپرس» که چندی پیش توقیف شد، به‌طور مستقیم به مسائل مهم مذهبی اهانت کرده بودند. البته آنها بازداشت نشدند در حال حاضر هم در افغانستان نیستند. افغانستان در آستانه شروع چهاردهمین سال استقرار مطبوعات آزاد در این کشور قرار دارد. ولی تاکنون حتی یک روزنامه‌نگار زندانی نداشته است.

نزدیک به سده‌ها سوادآموزی در افغانستان متوقف بوده است. از این‌رو تعداد باسوادان در کشور ما زیاد نیست. اگر جامعه سواد خواندن و نوشتن بیشتری داشته باشد، طبیعی است که در پی آن، سطح مراجعه مردم به رسانه‌های مکتوب و روزنامه‌ها نیز افزایش خواهد یافت. توجه داشته باشید در افغانستان هم مانند سایر کشورها، رسانه‌های تصویری و مجازی جایگزین رسانه‌ای مکتوب و روزنامه‌ها شده‌اند و جوانان علاقه بیشتری به کانال‌های تلویزیونی دارند. در شرایط جنگ، مصیبت، انفجار و آتش و خون طبیعی است که افکارعمومی توجه کمتری به کتاب و فرهنگ مطالعه داشته باشند. البته به منظور تقویت فرهنگ کتاب و کتابخوانی، وزارت فرهنگ هفته‌ای را به نام هفته مطالعه در سراسر کشور نام‌گذاری کرده است. در ماه ثور - اردیبهشت- هرسال، نمایشگاه بین‌المللی کتاب افغانستان برگزار می‌شود و مردم به خواندن تفریق می‌شوند. اینجا همه جزو تلاش‌های این وزارتخانه بوده ولی بش یک کافی نیست.

با به‌نظر شما آزادی رسانه‌ها در افغانستان چگونه است؟ آیا سابقه برخورد با رسانه‌ها و روزنامه‌ها در دوره وزارت شما وجود دارد؟
سانسور در رسانه‌های افغانستان به‌ندرت اعمال می‌شود. تنها در صورتی‌که به حریم زندگی مردم تجاوز یا به رهبران کشورها، ادیان مختلف و به‌خصوص اسلام توهین شود، به رسانه‌ها تذکر داده خواهد شد. البته در سال‌های گذشته عده‌ای برای جلب‌توجه و گرفتن پناهندگی از کشورهای اروپایی یا آمریکا به طور عمد قانون را زیر پا می‌نهند و به مسائل مختلف از جمله مسائل مذهبی توهین می‌کنند. طبیعتاً این حرکت باعث تحریک افکارعمومی می‌شود. دونفر از روزنامه‌نگاران روزنامه «افغانستان‌اکسپرس» که چندی پیش توقیف شد، به‌طور مستقیم به مسائل مهم مذهبی اهانت کرده بودند. البته آنها بازداشت نشدند در حال حاضر هم در افغانستان نیستند. افغانستان در آستانه شروع چهاردهمین سال استقرار مطبوعات آزاد در این کشور قرار دارد. ولی تاکنون حتی یک روزنامه‌نگار زندانی نداشته است.

با رقابت کشورهای مختلف در حوزه فرهنگ در افغانستان بسیار گسترده شده است. در روزهای گذشته اعلام شد عربستان سعودی برای ایجاد یک مرکز اسلامی در کابل «چک سفیدامضا» داده است. ترکیه نیز فعالیت‌های خود را در زمینه آموزش زبان ترکی از طریق ایجاد موسسات فرهنگی و اقتصادی بیشتر کرده. با این‌همه نمی‌توان از کنار مشترکات فراوان تاریخی، زبانی و فرهنگی ایران و افغانستان به‌سادگی عبور کرد. این در حالی است که به‌نظر می‌رسد زبان فارسی‌دری در افغانستان آهسته‌آهسته دستخوش تغییراتی عمیق می‌شود. نگاه شما به این موضوع چیست؟

متأسفانه در سال‌های گذشته فرهنگ استفاده از واژه‌های انگلیسی در افغانستان رایج شده است. تا به حال استفاده از واژه‌های فارسی با حروف انگلیسی رایج نبوده ولی این مساله به‌تازگی شیوع پیدا کرده است. این نوع فرهنگ، وارداتی است و تحت‌تأثیر حضور خارجی‌ها در افغانستان به وجود آمده است. قبول دارم این نفوذ، گسترده و بی‌رویه بوده و من از این بابت احساس درد و خطر می‌کنم. بارها این مساله را تذکر داده‌ایم. اما یک نوع تمایل کوتاه‌فکرانه در کاربرد کلمات انگلیسی در میان مردم کوچه‌وبازار به وجود آمده. درباره نقش جمهوری اسلامی ایران در مسائل فرهنگی افغانستان باید بگویم متأسفانه ایران کوچک‌ترین سهمی در بازسازی فرهنگی افغانستان نداشته است. حتی در جشن احوای غزنی به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام به هیچ‌کدام از وعده‌هایش عمل نکرد. حضور کم‌رنگ ایران با همه مشترکات فرهنگی بین دوکشور، فشار را برای حضور سایر کشورهای خارجی در افغانستان باز می‌کند.



عکس: کابل تلیم

وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان در گفت‌وگو با «شرق»:

جگرم برای هنرمندان افغان خون است

نام‌گذاری آن به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، بیشتر یک تجلیل و قدردانی از گذشته این شهر بوده است. همچنین ۲۲عنوان کتاب درباره غزنی به چاپ رسیده که در تاریخ وزارت اطلاعات و فرهنگ، این تعداد کتاب در یک زمینه واحد، منتشر نشده است. تعدادی از این کتاب‌ها به زبان‌های رسمی افغانستان و تعدادی هم به انگلیسی منتشر شده‌اند.

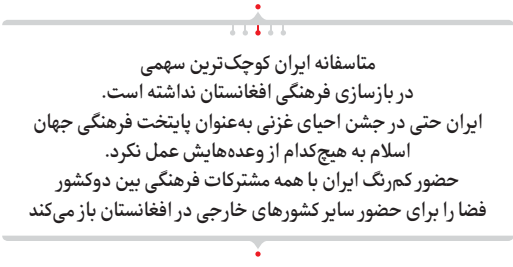
با مسوولان دولتی افغانستان در چندماه گذشته بارها تاکید کرده‌اند بودجه‌های کلان بین‌المللی به دولت اختصاص نیافته است. این درحالی است که رسانه‌ها همواره از فساد مالی در افغانستان سخن می‌گویند. آیا این بودجه‌ها به‌صورت واقعی به افغانستان اختصاص یافته است؟
بودجه‌ای که به حوزه فرهنگ و هنر افغانستان اختصاص یافته آنقدر ناچیز است که ما نتوانسته‌ایم به هیچ‌بخشی به‌درستی رسیدگی کنیم. در مسایل زیربنایی مانند شفاخانه‌ها یا مدرسه و راه‌سازی هزینه‌هایی شده است؛ ولی تا جایی که به فرهنگ و هنر مربوط است، ما کمترین امکانات را داشته‌ایم.

با به‌هرحال یکی از شعارهای حکومت وحدت ملی، مبارزه جدی با فساد مالی در افغانستان بوده است. جای فساد مالی در مسایل فرهنگی افغانستان دقیقاً کجاست؟

دولت ما در گذشته هم دولتی فقیر بود. البته افغانستان منابع و معادن بزرگ زیرزمینی دارد اما درهرحال این کشور، روزگار درازی را فقیرانه روی کتچ پشت‌سر گذاشته است. ما هرگز در این کشور فساد مالی و اداری نداشته‌ایم. اگر هم بوده، قابل‌چشم‌پوشی و بسیار ناچیز است. با نوساناتی که در افغانستان به‌وجود آمد و جریان‌های خاصی که به این کشور آمدند، مسایل بسیار تغییر کرد. با سقوط طالبان و استقرار حکومت نو در کشور، پول به یکباره و به طور نسنجیده‌ای به افغانستان سرازیر شد. این مساله باعث به‌وجودآمدن فساد اقتصادی در افغانستان شد. به‌نظر من فساد اداری در موسسات خارجی فعال در افغانستان، به‌مراتب بیشتر از فساد دولتی است. شاید در وزارت فرهنگ برخی از کارمندان دون‌پایه تخلفاتی داشته باشند، اما در حیف‌ومیل مبالغ هنگفتی که متأسفانه در این کشور هدر می‌رود، فقط افغان‌ها مقصر نیستند؛ خارجی‌ها نیز تقصیرکارند.

با بخشی از جامعه هنری افغانستان بر این باورند که دولت حامد کرزای در بخش فرهنگی استراتژی و برنامه مدونی نداشته است. نظر شما در این باره چیست؟

جامعه هنری افغانستان انتظار داشته وزارت فرهنگ به آنها کمک کند و البته این انتظار آنها نیز بجا بوده و اقدامات خوبی هم انجام پذیرفته است. به‌عنوان مثال هنر فیلمسازی در افغانستان احیا شده و فیلمسازان زیادی اعم از زن و مرد در سطوح مختلف هنری و فکری فعالیت می‌کنند. اما به‌هرحال هنرمندان و فیلمسازان هیچ‌گونه پشتیبانی مالی‌ای ندارند و من از این جهت، جگرخون هستم. وزارت اطلاعات و فرهنگ با چنان فقری



هشتمین جشنواره تئاتر افغانستان - کابل



فریبا پژو

« برای من هیچ سوالی چالش برانگیز نیست.» این اولین پاسخ دکترمخدوم رهین، وزیر اطلاعات و فرهنگ دولت حامد کرزای در افغانستان به سوالات است. رهین سال ۱۳۵۲ در مقطع دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است. اگرچه امروز بخشی از اهالی فرهنگ افغانستان نسبت به عملکرد او در دوران وزارتش انتقاد دارند، اما دکتررهین همچنان آزادی رسانه‌ها و مطبوعات را در کشورش می‌ستاید و از آن به عنوان دستاورد دوران وزارتش یاد می‌کند. بخشی از این گفت‌وگو به‌دلیل قطعی برق، در خاموشی انجام شد و این مساله خود نشان می‌دهد که وقتی زیرساخت‌های افغانستان با مشکلات و محدودیت‌های چشمگیری مواجه است، عرضه برای هنر و فرهنگ تا چه اندازه محدود خواهد بود. وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان در این گفت‌وگو، بارها تأکید می‌کند مشترکات مذهبی، فرهنگی، تاریخی و زبانی ایران و افغانستان بسیار گسترده است و به همین دلایل همکاری فرهنگی دوکشور می‌تواند گسترش یابد. به گفته او، حضورکم‌رنگ ایران در افغانستان باوجود مشترکات گسترده فرهنگی دوکشور، فضا را برای حضور سایر کشورهای خارجی در این سرزمین باز خواهد کرد.

با افغانستان و ایران سرزمینی باستانی هستند. نمی‌توان وجه تمایز پررنگی میان تاریخ این دوکشور قابل شد. تاریخ آثار باستانی این دوکشور-دست‌کم در بخشی از تاریخ- از هم جدایی ناپذیرند. با این حال، بسیاری از بناهای تاریخی در سراسر افغانستان در حال ازبین‌رفتن هستند. در کابل همه به ویرانی عمارت «دارالامان» اشاره می‌کنند. شما برای نگهداری و مرمت آثار باستانی و معاصر افغانستان چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

افغانستان، عمارت تاریخی ویرانه بسیاری دارد که یکی از آنها قصر دارالامان مربوط به اوایل قرن‌بیستم است. ما برای بازسازی بناها مشکل داریم. بودجه کافی برای مرمت این آثار باستانی وجود ندارد و تعداد کارشناس‌های متخصص و کارآزموده برای نگهداری و مرمت این بناها هم بسیار محدود است. حدود هزارو ۲۰۰بنای تاریخی در افغانستان در خطر انهدام است که قدمت برخی از آنها به تمدن‌های پیش از اسلام و بعد از اسلام بازمی‌گردد. ما فقط توانستیم تعدادی از آنها را بازسازی و احیا کنیم.

تا به‌حال چه بناهایی بازسازی و احیا شده‌اند؟

در کابل تعدادی مسجد تاریخی مرمت شده است. در بلخ و هرات هم چندبنای تاریخی بازسازی شده، ولی من خود به این مساله اذعان دارم کارهای انجام‌شده به هیچ‌عنوان کافی نیست. به‌زودی کار مرمت قصر دارالامان که یادگار مهمی از آغاز استقلال افغانستان است، شروع می‌شود. **با هفت‌سال بیش وقتی اعلام شد شهر غزنی در سال ۲۰۱۳میلادی به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام نام‌گذاری خواهد شد، دولت افغانستان اعلام کرد قصد دارد سیمای این شهر را تغییر دهد. از سوی دیگر تاکنون تنها برای بازسازی این شهر از سوی ایالاتمتحدهآمریکا ۱۶۸میلیون دلار به این شهر اختصاص یافته است. اما به گزارش منابع بین‌المللی و افغان، تغییر قابل‌ملاحظه‌ای در این شهر به وجود نیامد و این مساله، انتقادهای زیادی را برانگیخت. گفته می‌شود فساد مالی باعث شد بخش زیادی از منابع مالی در شهر هزینه نشود. نظر شما به‌عنوان مسوول امور فرهنگی کشور چیست؟**

موسسه‌ای به نام آیسسکو که مرکزش در شهر «تنجه» مراکش است و دکترعبدالعزیز، شهروند عربستان این موسسه را رهبری می‌کند، هرسال سه‌شهر را از میان شهرهای ممالک اسلامی به نام پایتخت فرهنگی جهان اسلام انتخاب می‌کند؛ یک‌شهر از شمال‌آفریقا، یک‌شهر از جهان عرب و یک‌شهر از آسیای‌مرکزی و جنوبی. اسمال در بخش آسیای‌جنوبی نوبت به غزنی رسید. اعضای این موسسه شهرهای مختلف را می‌بینند و شهری را که از نظر علم و فرهنگ و هنر در گذشته اهمیت داشته، به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام نام‌گذاری می‌کنند. در حقیقت این کار نوعی تجلیل و قدردانی معنوی است. اما ماجرای رسیدن این پول‌ها به وزارت فرهنگ و اطلاعات افغانستان، افسانه‌ای بیش نیست. تنها بودجه‌ای که در اختیار ما قرار گرفته، بودجه دولت افغانستان بوده که رقم آن حدود ۱۰میلیون‌دلار است. این بودجه به چندین‌وزارتخانه تخصیص داده شد. ما توانستیم با کمترین پول فعالیت فرهنگی زیادی در غزنی داشته باشیم. به‌هرحال ۳۲بنای تاریخی در این سال‌ها در غزنی مرمت و احیا شد. تأکید می‌کنم خبری از کمک‌های قابل‌ملاحظه برای بازسازی غزنی نبوده و پیشنهاد